

سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)

سیدرحیم ابوالحسنی *

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۲۰ - تاریخ تصویب: ۸۷/۱/۱۶)

چکیده:

احتمال تضعیف و بحران هویت ملی در بین مردم ایران و تقویت هویت‌های قومی و جهانی و در نتیجه امکان بروز چالش‌های اجتماعی و سیاسی در آینده نزدیک از دغدغه‌های ذهنی نخبگان علمی - اجرایی کشور است. مقاله حاضر با مطالعه موردی شهروندان تهرانی به مقایسه میزان هویت چهار گانه قومی، ملی، امتی و جهانی پرداخته است که نتیجه حاکی از آن است که اولاً هویت ملی با ۹۴/۲٪ در راس قرار دارد و ثانیاً با دو هویت دیگر قومی و امتی نیز سازگاری دارد. به گونه ای افزایش هر کدام عامل کاهش دیگری نمی‌شود. ثالثاً هویت جهانی با ۶۹/۳۸٪ در پایین ترین سطح قرار دارد.

واژگان کلیدی:

سازگاری - هویت‌ها - فرهنگ ایرانی - شهروندان - هویت قومی - هویت ملی - هویت امتی

مقدمه

مدتی است که بحث وضعیت هویت ملی در کشور و ارتباط آن با دیگر هویت‌ها (قومی، امّتی و جهانی) مورد بحث متخصصین حوزه‌های علوم اجتماعی است. برخی وضعیت آن را در حال بحران و برخی دیگر آن را حداقل در وضعیت چالش مطرح می‌نمایند. و نیز معتقدند هویت‌های قومی در حال افزایش و چالش با هویت ملی می‌باشند، از طرف دیگر نظام جمهوری اسلامی از بدو تأسیس تا کنون ضمن بی‌توجهی به هویت ملی درصدد تقویت و تعالی هویت امّتی (جامعه‌سیاسی-مذهبی) فراتر از مرزهای ملی است. این مقاله که حاصل پژوهشی در سطح جامعه آماری شهر تهران می‌باشد در پی سنجش میزان هویت‌های چهارگانه در میان شهروندان تهرانی است.

سؤال اصلی در این پژوهش اینست که: وضعیت شاخص‌های هویت ملی در میان شهروندان تهرانی چگونه است؟ آیا جامعه دچار بحران هویت ملی شده است یا اینکه هویت ملی دچار چالش جدی است؟

سؤال فرعی پژوهش نیز عبارتند از:

- ۱- وضعیت هویت‌های قومی، امّتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی چگونه است؟
- ۲- آیا ارتباط مستقیم و یا معکوسی میان هر یک از هویت‌های فوق با هویت ملی وجود

دارد؟

فرضیات تحقیق نیز این بود که: اولاً: هویت ملی در میان شهروندان تهرانی در وضعیت چالشی است.

فرض دوم نیز این بود که: ثانیاً: رابطه معکوس بین هویت ملی و هویت‌های دیگر وجود

دارد.

این مقاله حاصل یک پژوهش پیمایشی به تعداد ۷۰۰ نفر جامعه نمونه آماری در سطح جامعه آماری شهرستان تهران در زمستان ۱۳۸۶ می‌باشد. نتیجه پژوهش نشانگر ابطال فرضیات بوده است. بدین معنی که وضعیت هویت ملی در سطح بسیار خوبی قرار دارد و دو هویت دیگر (قومی و امّتی) نیز بعد از هویت ملی در وضعیت خوبی قرار دارند. بگونه‌ای که بین این سه نوع هویت نوعی سازگاری و همراهی وجود دارد. اما هویت جهانی با فاصله زیادی در سطح پائین تری قرار دارد.

۱- کلیات

هویت در لغت نامه دهخدا "تَشَخُّص" معنا شده است. و تشخّص به مفهوم برخورداری از مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات متمایز از دیگران است، که موجب شناسایی و تمایز فرد از

فرد، گروه از گروه و یا اهلیتی از اهلیتی دیگر می‌شود، در صورتی که کلیه اعضا یک گروه و یا اهلیت را همانند می‌نماید.

مؤلفه های هویت از دو بخش شناختی (ذهنی) و روانشناختی (روحی و روانی) تشکیل می‌شود. بخش ذهنی (باورها) شامل مجموعه ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها و ایستارها (طرز تلقی) است، و بخش روانی (احساسی) نیز مجموعه احساسات، محبت و نفرت، تمایل و بی‌رغبتی، تعلق، تعهد و تکلیف را ... در بر می‌گیرد. وجود این مؤلفه‌ها و آگاهی نسبت به آنها موجب شکل‌گیری نوعی "خود" در یک فرد و یا یک اجتماع (دسته، گروه، جامعه) می‌گردد. لذا هویت در مرتبه نخست به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

فرد دارای اهداف، منافع، مصالح خاص خویش در قلمروهای روابط "میان فردی"، اعتقادات مذهبی، "وضعیت شغلی" و "آینده زندگی" و نگرش نسبت به خود است (شکوه نوابی نژاد، ۱۳۸۳). که او را به عنوان یک شخص یگانه، براساس تفاوت‌های فردی اش متمایز از دیگر اشخاص (درون گروه) معرفی می‌کند (منوچهر محسنی، ۱۳۸۳).

اما هویت در سطح اجتماعی، به مفهوم هویت جمعی، هویت گروهی است، که یک جمع (گروه) را از دیگر جمع‌ها (گروه‌ها) جدا می‌سازد. یعنی مجموعه ویژگی‌هایی که در یک تعداد معینی از افراد وجود دارد، باعث ایجاد "ما" می‌شود و این گروه تحت عنوان "ما" را از گروه‌های دیگر یا "آنها" متمایز می‌کند (احمدلو، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

البته به یک نکته دیگر نیز باید توجه داشت، که گروه صرفاً به خاطر همانندی افراد شکل نمی‌گیرد و بواسطه آن تداوم نمی‌یابد، بلکه شکل‌گیری گروه مستلزم دو مؤلفه متمایز و مکمل است، یکی بخش محتوایی شامل همانند ذهنی و روانی است، اما بخش دیگر آن یگانگی و یکپارچگی ساختاری است. گروه هنگامی شکل می‌گیرد که باوری معین و هماهنگ و نیز ساختاری واحد مرکب از پایگاهها و نقش‌ها بوجود آید و برای آحاد اعضا توجیه شود و افراد آن را بپذیرند و سپس هر یک با استقرار در موقعیت‌های خاص به ایفای نقش محول و انجام وظایف بپردازند. در این حالت می‌توان از گروه اجتماعی و شکل‌گیری هویت اجتماعی سخن به میان آورد (محمد حیدری، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵).

بنابراین هویت اجتماعی مبتنی بر سه عنصر است: ۱- همانندی و هماهنگی شخصیت اجتماعی یا "فرا خود" فرد با بخش ذهنی و پندارهای مقوم گروه و نیز استقرار وی در پایگاهی معین. ۲- آگاهی و اعتقاد فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد. ۳- پیدایی تعهد و احساس مسئولیت برای ایفای نقش‌های محول در کلیه ساختارهای اجتماعی مربوط.

فرد در جامعه در چندین گروه (موازی، متداخل، جزء و کل) عضویت دارد، که هر یک از آنها بر اساس هویتی معین و مجزای از دیگری به حیات خود ادامه می دهند. فارابی این جوامع را به شش گروه خانواده، کوی، محله، شهر، امت و جامعه بین المللی تقسیم می کند (سیاست مدینه و آراء اهل مدینه فاضله)، اما در جوامع امروزی فقط می توان چهار اجتماع بزرگ برخوردار از هویت مشخص را تمیز داد که عبارتند از: قوم، ملت، امت (جامعه سیاسی - دینی) و جامعه بین الملل. بنابراین هویت اجتماعی در چهار سطح هویت قومی، هویت ملی، هویت امتی و هویت جهانی برای یک فرد شکل می گیرد و افراد از جهت حداقل چهار نوع هویت اجتماعی قابل پژوهش و بررسی هستند. البته امروزه هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی افراد را تشکیل می دهد و در جهان امروز فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت نیز هست (محمد حیدری، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵).

برای بررسی هویت اجتماعی باید بدانیم که ابعاد مختلف پنداری و ساختاری یک جامعه (و در پی آن هویت اجتماعی) کدامند؟ اصولاً از منظر بررسی هویت یک جامعه دارای پنج بعد جامعه‌ای، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی است. که در اینجا با محور قرار دادن هویت ملی به توضیح این ابعاد می پردازیم.

- بعد جامعه‌ای هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می گیرد و اصطلاحاً "مای ملی" تحقق می یابد (رسول نقیسی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۹). اعتقاد به وجود و ضرورت وجود جامعه ملی، احساس و اعتقاد و تمایل به عضویت در این جامعه، احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا مای ملی، پذیرش یکدیگر به عنوان هموطن، نگرش مثبت به دیگران متعلق به ملت، باورهایی در باب ریشه های اجتماع ملی، اعتقادات راجع به سرنوشت و آینده جامعه، افتخار به عضویت در این جامعه و علاقه و تمایل به پرداختن هزینه های لازم برای عضویت خود و تداوم حیات این اجتماع، نگرش نسبت به مبانی همبستگی و همکاری اجتماعی از مولفه‌های این سطح از هویت می باشند.

- بعد جغرافیایی: محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. هویت در این بعد عبارت است از: نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقاء را برای شخص معلوم می سازد، به این معنی که تنها با وجود آن سرزمین مشخص رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور خواهد بود. دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با

مرزهای معین مشخص می‌شود. مؤلفه‌های بعد جغرافیایی هویت ملی عبارتند از: آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر، مرجح دانستن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور، علاقه مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده، رویکرد و نگرش مثبت به سرزمین خود، احساس آرامش و آسایش در صورت زندگی در آن.

- بعد تاریخی: بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ‌پنداری پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود. البته باید به این نکته توجه داشت که بیش از آنکه اشتراک تاریخی مهم باشد، احساس و تفسیر مشترک تاریخی اثرگذار است. اعضای یک ملت نسبت به گذشته خود باید تفسیری همانند و ارزشگذاری مشابه و تعلق مشترک و تعهد مناسب داشته باشند نه اینکه صرفاً وقایع مشترک داشته باشند، چه بسا افراد جامعه دارای حوادث و وقایع مشترک در گذشته می‌باشند، اما به علت تفسیر و ارزشگذاری متفاوت و متعارض، آن اشتراک حوادث سبب افتراق اجتماعی کنونی می‌شود. بنابراین علاوه بر آگاهی از مهمترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی، می‌بایست احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث، وقایع و شخصیت‌های مثبت و منفی که نتیجه آن برخورد مثبت و منفی و افتخار آمیز با آن یا موفق دانستن فعالیت‌ها و اقدامات شخصیت‌های موثر و مثبت در تاریخ کشور و احساس غرور یا ناراحتی و سرافکنندگی و تحقیر شدن وجود داشته باشد، مضاف بر آنکه باید اهتمام تاریخی یعنی اهمیت دادن به تاریخ جامعه خود در مقایسه با سایر جوامع نیز وجود داشته باشد.

- بعد فرهنگی: مقصود از فرهنگ مجموعه ارزش‌ها، هنر‌ها، نمادها، اعتقادات، احساسات و رویکردهایی است که در زمینه همه نهادهای اجتماعی اعم از اقتصاد، سیاست، خانواده، مذهب، تفریحات و جامعه‌پذیری (آموزش و پرورش) در یک جامعه به عنوان میراث تاریخی به صورت وجدان جمعی درآمده است، البته از میراث فرهنگی نیز به عنوان فرهنگ یاد می‌شود، مؤلفه‌های هویت ملی در این بعد عبارت است از: ارزشگذاری جامعه نسبت به میراث فرهنگی، و ضرورت حفظ و نگهداری و کاربرد آن، نگرش جامعه نسبت به زبان و ادبیات، قضاوت جامعه در خصوص استمرار ارزش‌ها و اصول تعلیم و تربیت، ...

- بعد سیاسی: هویت ملی در بعد سیاسی بدین معنی است که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی و عملاً تحت سلطه یک ساختار سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و تابعیت یک سیستم سیاسی را پذیرفته‌اند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن سیستم سیاسی بدانند، و به باورهای

سیاسی و مبانی ارزشی آن معتقد باشند، و ساختار سیاسی و پایگاه‌ها و نقش‌های آن را بپذیرند و نسبت به ایفای این نقش‌ها تعهد داشته باشند. و خواهان ساختار سیاسی واحد و روشنی برای کل اجتماع سیاسی باشند و نسبت به وجود یک سیستم سیاسی یکپارچه بر آن سرزمین و جامعه نگرش مثبت داشته باشند، و ایدئولوژی سیاسی معینی را برای جامعه سیاسی و نظام سیاسی تجویز نمایند، و با ساختار قدرتی مشخصی موافق باشند، و نسبت به منبع قدرت سیاسی در جامعه نیز نگرش معینی داشته باشند و نقش خود را در سیستم بطور واضح تبیین و ارزیابی کنند، و پیرامون جایگاه و نقش فرمانروایان نیز دیدگاه خاصی داشته و ارتباط خود با حکام را به صورت روشن ترسیم نمایند.

یک نکته را یادآور می‌شویم که موضوع بحث بر سر نظام سیاسی و یا حکام سیاسی موجود نمی‌باشد، چرا که این موضوع در حوزه مشروعیت سیاسی مطرح است، بلکه درک کلی در خصوص هویت سیاسی است، چرا که امکان دارد نظام سیاسی موجود و یا حکام فعلی فاقد مشروعیت باشند و لذا مورد پذیرش شهروندان یک جامعه نباشند. اما همان شهروندان معتقد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی یکپارچه و حکامی با صفات معین و جایگاه و نقش مشخص که با فرهنگشان سازگار است در میان خود باشند.

بنابراین در اینجا نظام سیاسی نوعی مطرح است که شاید هم اکنون مستقر باشد و یا اینکه امید و اعتقاد مردم به استقرار آن در آینده باشد، مهم آنستکه مردم دارای ارزش‌ها و هنجارها و نمادها و طرز تلقیها و اعتقادات مشترک در خصوص ساختار سیاسی معین باشند و از لحاظ عاطفی و روانی نیز به مولفه‌های فوق مشترکاً تعلق داشته باشند و در عمل به آن متعهد باشند.

۲- وضعیت هویت ملی در میان شهروندان تهرانی

بر اساس کلیات گفته شده، پژوهشی در خصوص وضعیت هویت ملی در مقایسه با هویت‌های قومی، امّتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی با جامعه نمونه آماری ۷۰۰ نفر در زمستان ۱۳۸۶ انجام شد. مسئله اصلی این پژوهش این بود که دریابد آیا در بین این شهروندان بحران هویت ملی وجود دارد یا هویت ملی در وضعیتی چالشی قرار گرفته است؟ وضعیت دیگر هویت‌ها (قومی، امّتی، جهانی) چگونه است؟ آیا تعارض جدی میان گونه‌های مختلف هویتی وجود دارد؟

ترکیب جمعیت شناختی نمونه آماری عبارتند از:

الف: ترکیب جنسیتی: زنان: ۴۸/۹۳ درصد، مردان: ۵۱/۰۷ درصد،

ب: ترکیب سنی: کمتر از ۲۰ سال: ۲۱/۷۳ درصد، ۲۰-۳۰ سال: ۳۲/۱۹ درصد، ۳۰-۴۰ سال:

سال: ۲۳/۶۱ درصد، ۴۰-۵۰ سال: ۱۶/۴۵ درصد، ۵۰ سال به بالا: ۱۵/۰۲ درصد،

ج: ترکیب تحصیلی: بی سواد: ۱/۲۹ درصد، ابتدایی: ۱۲/۱۶ درصد، راهنمایی: ۱۶/۴۷ درصد، متوسطه: ۴۲/۲ درصد، فوق دیپلم: ۷/۴۴ درصد، لیسانس: ۱۵/۳۱ درصد، فوق لیسانس: ۱۶/۳۱ درصد، دکتری ۱ درصد، بدون جواب: ۱/۲۹ درصد.

د: ترکیب درآمد: فقیر (با درآمد کمتر از ۲۵۰/۰۰۰ تومان): ۲۵/۳۸ درصد، متوسط (درآمد از ۲۵۰/۰۰۰ تا ۶۵۰/۰۰۰): ۶۵/۳۵ درصد، دارای درآمد بالاتر از ۶۵۰/۰۰۰ تومان: ۸/۹۷ درصد.

با توجه به ترکیب ناموزون جمعیت از لحاظ زبان مادری، امکان بهره‌گیری از نمونه متوازن از این جهت وجود نداشت، ولی همانطور که مشاهده می‌شود چهار مؤلفه جمعیت شناختی دارای ترکیب مناسبی هستند. لذا نمونه آماری قابل اتکا و اعتماد است.

وضعیت هویت‌های مختلف در جامعه در سه زاویه سنجیده شد. ابتدا ابعاد و یا مؤلفه‌های مختلف هویتی (اجتماعی، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی) در هر یک از هویت‌های چهارگانه مورد سنجش و مقایسه قرار گرفت و سپس با جمع بندی میزان همه مؤلفه‌های هویتی در هر یک از حوزه‌های هویتی چهارگانه (قومی، ملی، امّتی، جهانی)، وضعیت این هویت‌ها با یکدیگر مقایسه شد، و سپس ارتباط وضعیت هر یک از هویت‌ها را با متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تحصیلات، درآمد) مورد بررسی قرار دادیم.

۱-۲- وضعیت مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در هویت‌های چهارگانه

همانطوری که مطرح شد هر اجتماع دارای پنج بعد هویتی می‌باشد که عبارتند از: جامعه‌ای، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی. لذا در اینجا به بررسی و ارزیابی این ابعاد هویتی در سطوح چهارگانه هویت می‌پردازیم.

۱-۱-۲- وضعیت هویت جامعه‌ای - ملی

برای سنجش این بعد از هویت در سطوح چهارگانه هویتی هفت متغیر مورد سنجش قرار گرفتند که عبارتند از: احساس تعلق و عضویت به اجتماع، تمایل به زندگی و عضویت در اجتماع، تمایل به حفظ یکپارچگی و بهم پیوستگی اجتماع، پذیرش دیگر اعضای اجتماع به عنوان هم وطن، شرط عضویت در اجتماع ملی، احساس افتخار و غرور در اثر عضویت در اجتماع، مبانی همبستگی ملی.

برای سنجش مؤلفه‌های هویت جامعه - ملی نه (۹) پرسش از پاسخگویان پرسیده شده که نتیجه آنها درک میزان هفت مؤلفه از این بعد از هویت ملی در میان شهروندان تهرانی است.

۱-۱-۲- احساس تعلق و عضویت: اولین پرسش در خصوص احساس تعلق و عضویت به هر یک از جوامع چهارگانه مربوط به هویت‌های قومی، ملی، امت مسلمان و هویت اجتماعی - جهانی بود. از پاسخگویان پرسیده شد: شما به هر یک از جوامع قومی، ملی، امت مسلمان، جامعه جهانی چقدر احساس تعلق و عضویت می‌کنید؟

میزان احساس تعلق و عضویت خیلی زیاد و زیاد نسبت به هر یک از هویت‌ها به ترتیب عبارت است از: ۸۳/۸ درصد نسبت به جامعه ملی، ۸۰/۸ درصد نسبت به جامعه دینی، ۷۱/۶ نسبت به جامعه قومی و ۵۸/۵ درصد نسبت به جامعه جهانی.

پاسخ‌ها نشانه نزدیکی جامعه ملی با جامعه دینی (امتی) است.

۱-۲- تمایل به زندگی و عضویت: برای سنجش این شاخص از پاسخگویان پرسیده شده: بدون توجه به روابط خویشاوندی و مسائل زندگی چقدر دوست دارید در هر یک از جوامع قومی خود، ملت ایران، امت مسلمان و جامعه جهانی زندگی کنید؟

میزان تمایل پاسخگویان به زندگی در هر یک از جوامع چهارگانه به ترتیب زیر است: ۸۲/۱ درصد نسبت به جامعه ملی، ۷۵/۷۵ درصد نسبت به امت مسلمان، ۶۸/۷ درصد نسبت به جامعه قومی و ۶۰/۳ درصد نسبت به جامعه پیشرفته دنیا ابراز تمایل خیلی زیاد و زیاد برای زندگی نمودند.

۱-۳- تمایل به حفظ یکپارچگی و بهم پیوستگی اجتماع: یکی از شاخص‌های بسیار مهم هویت جامعه‌ای - ملی، علاقه آحاد آن جامعه به تداوم جامعه و یکپارچگی و عدم تجزیه آن است. در صورتی که هویت ملی در جامعه دچار چالش و یا بحران گردد، مشروعیت حیات آن اجتماع تضعیف می‌گردد، لذا تمایل به تجزیه و تفکیک اجتماعی در میان شهروندان افزایش می‌یابد. با توجه به احتمال گرایش به تجزیه‌طلبی به سوی تشکیل جوامع قومی و یا گرایش به سوی ادغام در جوامع فراملی - دینی و یا جهانی (که هر دو حاکی از تضعیف هویت ملی است) در جامعه ایرانی، شاخص‌های مربوط به صورت‌گویی به قضاوت پاسخگویان گذارده شده است.

داده‌ها حاکی از آن است که شهروندان تهرانی دارای رویکرد توسعه‌طلبی و میل به گسترش می‌باشند، برخلاف پاسخ‌های قبلی گرایش مردم به ادغام در جامعه دینی (جامعه بزرگتر) و نیز در جامعه جهانی بیش از حفظ جامعه ملی است، ضمن آنکه گرایش به سمت جامعه قومی تقریباً نصف گرایش به سمت جامعه بزرگتر است، چنانکه این میزان گرایش به ترتیب زیر است: ۸۰ درصد به تشکیل جامعه بزرگ اسلامی، ۷۳/۱ درصد به ادغام در جامعه جهانی، و ۶۸/۶ درصد به حفظ جامعه ملی و نیز ۴۶/۴ درصد به امکان استقلال و خودمختاری

اقوام تمایل دارند. بنابراین مردم در صورتی علاقه مندند که جامعه ملی تضعیف شود که جامعه ای بزرگتر تشکیل داده و قدرت بیشتری بدست آورند.

اما در سؤال دیگری برای سنجش میزان تعهد و تمایل شهروندان به پرداخت هزینه در این خصوص (حفظ یکپارچگی اجتماع ملی) از آنان پرسش شد که پاسخ ها حکایت از نوعی تفاوت با پاسخ های قبلی دارد، بدینگونه که هرچند ۸۵/۷ درصد از آنان معتقد به دفاع از یکپارچگی جامعه بوده و ۸۲/۴ درصد نیز تجزیه را کار دشمنان خارجی می دانند که باید از آن جلوگیری کرد، فقط ۶۹/۸ درصد از آنان حاضر به کمک‌های مالی و یا در صورت لزوم مبارزه شخصی علیه تجزیه و طلبان هستند، در صورتی که ۷۴/۲ درصد از پاسخگویان معتقد به یکپارچگی اجتماعی توسط اجبار نیستند، لذا معتقد به یکپارچگی به صورت ارادی و آزادانه می باشند.

۴-۱-۲- پذیرش دیگران به عنوان هم وطن: یکی از شاخص‌های هویت جامعه‌ای ملی، نگرش شهروندان نسبت به دیگر افراد جامعه به عنوان هم وطن مبنی بر این است که چه کسانی را هم وطن خود می دانند. لذا از پاسخگویان سؤال شد که کدامیک از اعضای جوامع چهارگانه قومی، ملی، امّتی و جهانی را هم وطن خود می دانند؟ که به ترتیب ۸۸/۹ درصد کلیه افراد ملت ایران، ۸۶/۴ درصد کلیه افراد قوم خودشان، ۷۳/۱ درصد کلیه افراد مسلمان و ۴۹/۱ درصد کلیه افراد جامعه بشری را در حد خیلی زیاد و زیاد هم وطن خود برشمردند. پاسخ ها حکایت از نزدیکی هویت جامعه‌ای - ملی با هویت جامعه‌ای - قومی دارد، بنابراین افراد ضمن الفت با جامعه ملی با اجتماع قومی نیز مأنوس هستند.

۵-۱-۲- شرط عضویت در جامعه ملی: یکی از پرسش‌های اساسی در خصوص هویت ملی - ایرانی اینست که مردم ما چه کسانی را ایرانی می دانند و شرط عضویت در جامعه ملی را چه می دانند؟ هشت شاخص به عنوان شاخص های عضویت در جامعه ملی - ایرانی مشخص شده اند که به ترتیب: دفاع از کشور با ۷۹/۸ درصد، عشق به این مملکت با ۷۸/۵ درصد، تلاش برای آبادانی و توسعه ایران با ۷۷/۱ درصد، پای بندی به فرهنگ و آداب و رسوم با ۷۱/۵ درصد، تابعیت ایرانی با ۶۶/۷ درصد، تولد در ایران و زندگی در آن با ۶۲/۴ درصد، خود را ایرانی دانستن با ۵۹/۵ درصد و در پایان دانستن زبان فارسی با ۳۴/۷ درصد با پاسخ‌های کاملاً موافق و موافق شرط ایرانی بودن دانسته شده اند. این ارقام حاکی از آن است که بحث هویت قومی - زبانی در سطح بسیار پایینی است، یعنی زبان فارسی معیار مهمی در ایرانی بودن دانسته نمی شود.

۶-۱-۲- احساس افتخار و غرور: یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در حوزه هویت جامعه‌ای - ملی احساس افتخار یا نفرتی است که از عضویت در یک جامعه به انسان دست

می دهد، لذا در ابتدا میزان احساس غرور در ارتباط با عضویت هر یک از جوامع چهارگانه پرسیده شد و سپس، میزان آن نسبت به هویت ملی یا ایرانی به گونه‌ای دیگر مورد سؤال قرار گرفت. در ابتدا از پاسخگویان پرسیده شد که: از عضویت و وابستگی به هر یک از اجتماعات قوم خودت، ملت ایران، امت مسلمان و جامعه پیشرفته جهان امروز چقدر احساس افتخار و غرور می کنید؟

که در پاسخ ۸۷/۳ درصد به عضویت در جامعه ملی، ۸۱/۳۵ درصد به عضویت در جامعه دینی، ۷۸/۵ درصد به عضویت در جامعه قومی و ۶۷/۵ درصد به عضویت در جامعه پیشرفته جهان امروز به میزان خیلی زیاد و زیاد احساس افتخار و غرور می نمایند. در اینجا نیز میزان احساس افتخار و غرور به عضویت در جامعه ملی در رأس قرار دارد. میزان احساس افتخار و غرور با پرسش دیگری شامل سه گویه متفاوت سنجیده شد که این بار نیز جواب‌ها حاکی از میزان بالای احساس مثبت نسبت به جامعه ملی است. از پاسخگویان پرسیده شد: با هر یک از جملات زیر به چه میزان موافق یا مخالف هستید؟

ردیف	کاملاً موافق	موافق	تاحدودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف
۶-۱	۱/۱	۲/۹	۴	۴۰/۸	۵۱/۱
۶-۲	۲/۳	۸/۹	۶/۲	۴۴/۳	۳۸/۲
۶-۳	۲/۱	۲	۱/۲	۴۱/۳	۵۲/۶

چنانکه جدول فوق نشان می دهد، ۹۳/۹ درصد از اینکه در شرایط مناسب ملیت خود را عوض کنند کاملاً مخالف و یا مخالف هستند و ۹۱/۹ درصد از پاسخگویان نیز از اینکه ملیت ایرانی موجب تحقیر است کاملاً مخالف و یا مخالف هستند و ۸۲/۵ درصد از پاسخگویان نیز از بی تفاوتی نسبت به ملیت خود کاملاً مخالف و یا مخالف هستند. بنابراین هویت ملی - جامعه ای دارای جایگاه مناسبی است.

۷-۱-۱-۲- مبانی همبستگی ملی: یک بحث بسیار مهم و تعیین کننده اینستکه مردم مبانی همبستگی در سطح جامعه ملی را چه می دانند؟ آیا برای این همبستگی ریشه های قومی یا فرهنگ ایرانی، یا اعتقادات دینی و یا نیازهای اقتصادی و اجتماعی را اصل می دانند؟ که هر یک نشان دهنده میزان قوت هر یک از هویت ها است. لذا از شهروندان پرسیده شد: به نظر شما هر یک از موارد زیر به چه میزان می تواند موجب همبستگی ایرانیان باشد؟

ردیف	
۹-۱	داشتن ریشه‌های مشترک قومی و قبیله‌ای؟
۹-۲	تاریخ و خاطرات مشترک و اعتقاد به فرهنگ ایرانی و ایرانی بودن؟
۹-۳	اعتقاد به شیعه و برخورداری از فرهنگ و تاریخ مشترک شیعه؟
۹-۴	اعتقاد به دین اسلام و برخورداری از فرهنگ و تاریخ مشترک اسلامی؟
۹-۵	وابستگی و نیاز متقابل اقتصادی، اجتماعی و ضرورت زندگی جمعی؟

پاسخها نشان می‌دهد که: ۸۱ درصد از مردم در خصوص مبنا بودن تاریخ و خاطرات مشترک و نیز اعتقاد به فرهنگ ایرانی و ایرانی بودن برای همبستگی ملی کاملاً موافق و یا موافق هستند، ۷۷/۳۵ درصد نسبت به فرهنگ و اعتقادات دینی، ۷۱/۸ درصد در خصوص ریشه‌های مشترک قومی و در نهایت ۶۷/۸ درصد نیز نیازهای متقابل اقتصادی شرط دانسته‌اند. مقایسه میانگین مؤلفه‌های هویت جامعه‌ای در هر یک از انواع جوامع چهارگانه نشان می‌دهد که هویت ملی با کسب ۸۱/۹۵٪ در رأس قرار دارد و پس از آن هویت امتی با ۷۸/۰۵ درصد، هویت قومی ۷۰/۵ درصد و هویت جهانی با ۶۲/۷۱ درصد قرار می‌گیرند.

نام	هویت جامعه‌ای - ملی	هویت جامعه‌ای - امتی	هویت جامعه‌ای - قومی	هویت جامعه‌ای - جهانی
درصد	۸۱/۹۵٪	۷۸/۰۵٪	۷۰/۵٪	۶۲/۷۱٪

باید توجه داشته باشیم که پاسخ یکی از سؤالات که مربوط به رویکرد نسبت به آینده بود نشان می‌داد که شهروندان تهرانی علاقه مند به ادغام در جوامع بزرگتر و سلطه بر آنها هستند که این جوامع همان جامعه‌های جهانی و امت اسلامی می‌باشند. که در این پاسخ اجتماعات ملی و قومی دارای امتیاز پایینی شدند. چنانکه امت اسلامی با ۸۰ درصد در رأس قرار دارد و پس از آن جامعه جهانی با ۷۳/۱٪، جامعه ملی با ۶۸/۶ درصد و جامعه قومی با ۴۶/۴ درصد قرار می‌گیرند.

نام	هویت جامعه‌ای - امتی	هویت جامعه‌ای - جهانی	هویت جامعه‌ای - ملی	هویت جامعه‌ای - قومی
درصد	۸۰٪	۷۳/۱٪	۶۸/۶٪	۴۶/۴٪

اگر این گویه و مؤلفه را از میان بقیه مؤلفه‌ها برداریم وضعیت هویت ملی جامعه‌ای - ملی و جامعه‌ای - قومی بهتر خواهد شد. چنانکه در این حالت هویت ملی با ۸۴/۶۲ درصد در رأس قرار می‌گیرد و هویت امتی با ۷۷/۶۷ درصد، هویت قومی با ۷۵/۴ درصد و هویت

جهانی با ۶۶/۶۴ درصد در مراتب بعدی قرار می گیرد. چنانکه ملاحظه می شود وضعیت هویت جامعه‌ای - ملی و هویت جامعه‌ای - قومی بهتر خواهد شد، بر این اساس اگر بخواهیم هویت جامعه‌ای هر یک از هویت‌ها را مقایسه نمائیم، جدول زیر و نمودار مربوطه نشان دهنده وضعیت برتر هویت جامعه‌ای - ملی است.

نام	هویت جامعه‌ای - ملی	هویت جامعه‌ای - امّتی	هویت جامعه‌ای - قومی	هویت جامعه‌ای - جهانی
درصد	۸۴/۶۲٪	۷۷/۶۷٪	۷۵/۴٪	۶۶/۶۴٪

۲-۲- وضعیت هویت ملی - جغرافیایی

یکی از ابعاد هویت ملی، مؤلفه سرزمین است، اینکه اعضای یک جامعه خود را از کدام سرزمین می دانند، و سرزمینشان در نزد آنان چه جایگاهی دارد و به چه میزان نسبت به حفظ آن تعهد دارند؟ برای سنجش این بخش از هویت سه پرسش برای سنجش نگرش و تعهد طراحی شده است.

۲-۲-۱- نگرش نسبت به سرزمین: در یک پرسش از پاسخگویان خواستیم تا نظرشان را نسبت به هشت گویه درباره منزلت سرزمین ایران و زندگی در آن بیان نمایند. سؤال این بود: نظر شما درباره هر یک از جملات زیر چیست؟

ردیف	
۱	سرزمین ایران بهترین آب و خاک برای زندگی، سعادت و خوشبختی است
۲	سرزمین ایران یک سرزمین عادی مثل همه جای دنیا است
۳	زندگی در سرزمین ایران فلاکت بار و دشوار و حقارت آمیز است
۴	خیلی وقتها به خودم می گویم، کاش در این سرزمین به دنیا نیامده بودم
۵	مسلماً این افتخار بزرگی است که آدم به سرزمین خودش خدمت کند
۶	کسانی که به خاطر پول یا زندگی و کار بهتر سرزمین شان را ترک کنند نسبت به آن خیانت می کنند
۷	تلاش در راه آبادی این سرزمین و تحمل سختیها در این راه را وظیفه ملی خود می دانم
۸	در مقابل هرگونه تجاوز به آب و خاک ایران با جان و دل دفاع می کنم

گویه‌های ۸، ۷، ۵ و ۱ به ترتیب گویه‌های مثبت می‌باشند که توافق با آنها حاکی از بالا بودن هویت جغرافیایی - ملی است. و گویه‌های ۳، ۴، ۶ و ۲ نیز به ترتیب گویه‌های منفی می‌باشند که مخالفت با آنها نیز نشانگر وضعیت خوب هویت جغرافیایی - ملی است. متوسط افرادی که با گویه‌های مثبت کاملاً موافق و موافق بوده‌اند ۸۵/۳ درصد می‌باشد. و ۸۱/۲ درصد نیز با دو گویه منفی کاملاً مخالف و نیز مخالف بوده‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که هویت جغرافیایی - ملی در سطح عالی است یعنی مردم نسبت به سرزمین خود دارای نگرش مثبت می‌باشند.

بدین شرح که ۸۴/۳ درصد با دفاع از جان و دل، ۸۳/۱ درصد با تحمل سختی‌ها، ۸۹/۷ درصد با خدمت به سرزمین، ۸۴/۱ درصد با بهترین آب و خاک بودن ایران کاملاً موافق و نیز موافق هستند. برعکس ۸۲ درصد با فلاکت بار بودن زندگی در این سرزمین و ۸۰/۳ درصد نیز با مخالفت شدید از تولد در این سرزمین کاملاً مخالف و نیز مخالف هستند. نزدیکی بسیار شدید گویه‌های منفی و مثبت حکایت از بالا بودن وضعیت هویت ملی - جغرافیایی می‌باشد.

۲-۲-۲- تعهد برای دفاع از سرزمین: برای سنجش تعهد شهروندان دو پرسش شامل مجموعاً ده گویه به ارزیابی پاسخگویان گذاشته شده است. ابتدا از پاسخگویان پرسیده شد: شما با هر کدام از جملاتی که برایتان می‌خوانم چقدر موافق یا مخالف هستید؟

ردیف	
۱	اگر سرمایه ای داشته باشم، با وجود مخاطرات برای توسعه ایران خرج می‌کنم.
۲	حاضرم اگر لازم باشد برای عمران کشور، در مناطق دور افتاده زندگی کنم.
۳	از سرزمین و ملت ایران در مقابل تجاوز دیگران دفاع می‌کنم.
۴	اگر به کشور حمله ای صورت گیرد در صورت امکان به کشور امن دیگری مهاجرت می‌کنم.
۵	هر کسی فقط مسئول زندگی خود و خانواده خود است لذا فقط از آنان دفاع می‌کنم.

سپس از آنها سؤال شد: در صورتی که هم اکنون از طرف یک کشور خارجی به ایران حمله شود، شما واقعاً چه اقدامی را انجام می‌دهید؟

ردیف	
۱۲-۱	از لحاظ مالی به دفاع از کشورم برمی‌خیزم
۱۲-۲	برایم فرقی نمی‌کند، به زندگی شخصی‌ام ادامه می‌دهم
۱۲-۳	دفاع از کشور را برعهده نظامیان می‌دانم
۱۲-۴	اگر امکان داشته باشد از کشور ایران خارج می‌شوم
۱۲-۵	با جان و دل از سرزمینم دفاع می‌کنم

گویه ها را می توان از مثبت به منفی به ترتیب زیر تنظیم نمود:

دفاع از سرزمین در مقابل تجاوز با جان، دفاع از کشور با پرداخت هزینه مالی، دفاع را بر عهده نظامیان دانستن، هر کس را مسئول زندگی خود و خانواده اش دانستن، بی تفاوتی و پرداختن به زندگی شخصی، خروج از کشور و مهاجرت به کشور امن دیگر. داده ها حاکی از اینست که ۸۲/۹ درصد به گویه دفاع از سرزمین در مقابل تجاوز، ۷۵/۷ درصد به گویه دفاع مالی از کشور، ۲۱/۹ درصد به گویه دفاع از کشور را بر عهده نظامیان دانستن، ۲۰/۲ درصد به گویه هر کس مسئول زندگی خود و خانواده اش است و ۱۰/۹ درصد به بی تفاوتی و پرداختن به زندگی شخصی و در نهایت ۱۳/۲ درصد به گویه خروج از کشور جواب کاملاً موافق و موافق داده اند.

۲-۳- وضعیت هویت ملی - تاریخی

هرچند تفکیک تاریخ از فرهنگ بسیار دشوار است، اما در پژوهش دو مؤلفه احساس افتخار نسبت به گذشته تاریخی و نیز علاقه نسبت به آثار تاریخی را به عنوان مؤلفه و شاخص های این بعد از هویت ملی قرار دادیم و از بحث هویت فرهنگی تفکیک نمودیم.

۱-۲-۳- احساس غرور و افتخار: در خصوص احساس نسبت به تاریخ مربوط به جوامع چهارگانه قومی، ملی، دینی و ملل توسعه یافته از پاسخگویان سؤال شد: گذشته تاریخی جوامعی که نام می برم چه احساسی را در مردم (شما) بر می انگیزد؟ (قوم خودت، ملت ایران، امت مسلمان، ملل توسعه یافته کنونی)

در پاسخ ۸۸/۴ درصد در خصوص تاریخ ایران و ملت ایران، ۸۰/۷۵ درصد در خصوص تاریخ امت مسلمان، ۷۸/۵ درصد نیز نسبت به تاریخ قوم یا قبیله خودشان احساس غرور و افتخار می نمایند، و فقط ۵۶/۷ درصد نسبت به تاریخ جوامع توسعه یافته احساس غرور و افتخار می نمایند. و این آمار نشان دهنده آنستکه تاریخ ایران در نزد ملت جایگاه خاصی دارد.

۲-۲-۳- علاقه به آثار تاریخی: آثار تاریخی در نزد، یک ملت شناسنامه او را تشکیل می دهند، لذا نگاه و علاقه به هر نوع از آنها گویای شخصیت و هویت یک ملت است. پاسخگویان در میان آثار مربوط به آثار سیاسی ایران باستان، و آثار عرفانی ایرانی و آثار امتی و آثار قومی، بیش از همه بر آثار شعرا و عرفای ایرانی علاقه نشان دادند. از پاسخگویان سؤال شد که شی به کدام دسته از آثار زیر علاقه بیشتر می دارید؟

ردیف	
۱	آثار سیاسی- تاریخی مربوط به دوران ایران باستان (مثل تخت جمشید در شیراز)
۲	آثار سیاسی، تاریخی و مذهبی مربوط به دوران صفویه (مثل آثار اصفهان)
۳	آثار ادبی و فرهنگی مربوط به شعرا و عرفای ایرانی (مثل آرامگاه حافظ و سعدی)
۴	آثار مربوط به زیارتگاههای مذهبی
۵	آثار مربوط به گذشته تاریخی قوم خودتان در همه زمینه‌ها
۶	هیچ فرقی بین آثار تاریخی مربوط به ادوار مختلف و موضوعهای مختلف وجود ندارد، همه آنها لذت بخش و دیدنی هستند.

که در پاسخ ۸۵/۹ درصد از آثار مربوط به شعرا و عرفای ایرانی، ۸۱/۱ درصد از آثار و زیارتگاه های مذهبی، ۸۰/۷ درصد از آثار ایران باستان و ۷۵/۲ درصد درخصوص علاقه نسبت به آثار قومی گزینه کاملاً موافق و موافق را برگزیدند. و این نشان دهنده بالا بودن هویت ملی و دینی در میان آنان است.

در مجموع می توان گفت که هر چند تاریخ ایران جایگاه خاصی دارد اما به علت ضعف توریسم در ایران، احساس مناسبی نسبت به آثار ایرانی وجود ندارد و مردم از باب اعتقادات دینی به زیارتگاه ها علاقه وافر دارند اما شعرا در میان مردم جایگاه خوبی دارند.

۲-۴- سنجش مؤلفه های هویت ملی - فرهنگی

برای سنجش هویت فرهنگی در سطوح جوامع چهارگانه پنج پرسش طراحی شد که سه پرسش در خصوص ارزشگذاری نسبت به فرهنگ ها، و یک پرسش در خصوص نگرش نسبت به زبان فارسی و پرسش آخر مربوط به ارتباط میان فرهنگ ایرانی با دیگر فرهنگ ها است.

۱-۴-۲ ارزشگذاری فرهنگ ها: در اولین پرسش از پاسخگویان خواسته شد که از بین دو سطح فرهنگی یکی را برگزینند. لذا از آنان سؤال شد: به نظر شما اگر تعارضی بین فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی با هر یک از فرهنگ ها و آداب و رسوم جوامع زیر (قومی، دینی، جهانی) بوجود آید، کدامیک از حالات بوجود خواهد آمد.

ردیف	
۱	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ قومی، مردم فرهنگ قومی را برمی‌گزینند
۲	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ شیعی، مردم فرهنگ ایرانی را برمی‌گزینند
۳	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی، مردم فرهنگ ایرانی را برمی‌گزینند
۴	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ ملل توسعه یافته، مردم فرهنگ ملل توسعه یافته را برمی‌گزینند

در خصوص انتخاب بین فرهنگ قومی و فرهنگ ایرانی تقریباً تعداد مخالفین و موافقین دقیقاً با هم برابر هستند، زیرا ۶۱ درصد بر ترجیح فرهنگ قومی نسبت به فرهنگ ایرانی جواب کاملاً موافق و موافق را برگزیدند. در حالیکه دقیقاً همین تعداد گزینه مخالف و کاملاً مخالف را برگزیدند، و این نشان دهنده نفوذ هم سطح فرهنگ قومی و فرهنگ ملی در میان مردم است. اما در گزینش و ترجیح فرهنگ ایرانی بر فرهنگ اسلامی و دینی، ۵۴/۸ درصد جواب کاملاً موافق و موافق دادند، در حالیکه ۲۶/۹۵ درصد به آن جواب مخالف و کاملاً مخالف دادند و این نشانگر ترجیح فرهنگ ایرانی بر فرهنگ دینی در نزد مردم است. اما در خصوص رجحان فرهنگ ملل توسعه یافته بر فرهنگ ایرانی، فقط ۲۸/۳ درصد به آن جواب کاملاً موافق و موافق دادند، در حالیکه ۵۱/۸ درصد به آن جواب مخالف و کاملاً مخالف دادند.

دو پرسش دیگر برای درک ارجحیت هویت های فرهنگی در نزد شهروندان تهرانی، در حوزه و پیرامون تربیت فرزندان طراحی شده است. از پاسخگویان سؤال شد: در خصوص تربیت فرزندان، فرهنگ ها را براساس میزان اهمیت، اولویت بندی کنید؟ آشنا نمودن با فرهنگ ایرانی، فرهنگ دینی، فرهنگ قومی، فرهنگ مدرن و غربی.

نام فرهنگ	فرهنگ ایرانی	فرهنگ دینی	فرهنگ قومی	فرهنگ غربی
درصد	۵۴/۵٪	۳۸/۳٪	۵/۲٪	۲٪

پرسش دوم در خصوص شاخص نامگذاری برای فرزندان است. چرا که نامگذاری دلیل مهمی برای تشخیص نفوذ فرهنگ ها است، لذا از پاسخگویان پرسیده شد: اگر بخواهید برای فرزندان یا بستگان نام انتخاب کنید ترجیح می دهید چه نوع نامی را برگزینید؟ (ایرانی، دینی، قومی، غربی)

نام فرهنگ	فرهنگ ایرانی	فرهنگ دینی	فرهنگ قومی	فرهنگ غربی
درصد	۲۹/۹٪	۶۲/۱٪	۲/۶٪	۴/۷٪

این جدول نشان می دهد که نامگذاری دینی در بین مردم با فاصله بسیار در رأس قرار

دارد.

۲-۴-۲- نگرش نسبت به زبان فارسی:

در خصوص نقش زبان فارسی به عنوان شرط ایرانی بودن و مؤلفه هویت ملی - ایرانی نظرات بسیار متفاوتی ارائه می‌شود. برخی آن را بنیادی‌ترین مؤلفه برای هویت ایرانی می‌دانند و برخی بر این باور نیستند. لذا از شهروندان خواسته شد که نظرشان را در این خصوص اعلام نمایند. ضمن اینکه اکثریت پاسخگویان برای زبان فارسی ارزش قائل هستند. فقط ۶۳/۲ درصد آن را شرط ایرانی بودن می‌دانند، بنابراین بقیه معتقدند که می‌توان ایرانی بود اما زبان فارسی را ندانست.

از پاسخگویان نه (۹) گویه درباره جایگاه و نقش و ضرورت زبان فارسی و ارتباط آن با هویت ایرانی - ملی پرسیده شد؟

ردیف	
۱	زبان فارسی نشانه شخصیت و غرور ایرانی است
۲	زبان فارسی باعث همبستگی و وحدت ملی ایرانیان است.
۳	زبان فارسی در جهان امروز فایده ندارد و آموزش آن بی‌فایده است.
۴	فرزندان ما علاوه بر زبان فارسی، باید به زبانهای دیگر امروزی نیز آشنا باشند.
۵	در دنیای امروز باید زبان علم را آموخت که آنهم غیرفارسی است.
۶	هر که ایرانی است به زبان فارسی علاقه‌مند است و به آن عشق می‌ورزد.
۷	دانستن زبان فارسی از شرایط مهم ایرانی بودن است.
۸	اقوام ایرانی می‌توانند به زبان خودشان صحبت کنند و همچنان ایرانی باشند.
۹	ضرورتی ندارد که برای اینکه ایرانی باشی حتماً به زبان فارسی صحبت کنی.

در پاسخ ملاحظه می‌شود که قسمت چهارم یعنی «فرزندان ما علاوه بر زبان فارسی، باید با زبان‌های دیگر امروزی نیز آشنا باشند» بیشترین میانگین و کمترین انحراف معیار را به دست آورده است. گزینه‌های انتخاب شده به ترتیب میانگین عبارتند از:

۱. فرزندان ما علاوه بر زبان فارسی، باید با زبان‌های دیگر امروزی نیز آشنا باشند با میانگین ۸۹/۷ درصد
۲. اقوام ایرانی می‌توانند به زبان خودشان صحبت کنند و همچنان ایرانی باشند با میانگین ۸۳/۵ درصد
۳. زبان فارسی نشانه شخصیت و غرور ایرانی است با میانگین ۸۱/۳ درصد
۴. هر که ایرانی است به زبان فارسی علاقه‌مند است با میانگین ۸۱/۲ درصد
۵. زبان فارسی باعث همبستگی و وحدت ملی ایرانیان است میانگین ۸۱/۱ درصد

۶. در دنیای امروز باید زبان علم را آموخت که آن هم غیرفارسی است میانگین ۷۲ درصد
۷. برای ایرانی بودن ضرورتی ندارد که به زبان فارسی صحبت کنیم میانگین ۷۰/۶ درصد
۸. دانستن زبان ایرانی از شرایط مهم ایرانی بودن است میانگین ۶۳/۲ درصد
۹. زبان فارسی در جهان امروز فایده ندارد و آموزش آن بی فایده است میانگین ۱۱/۵ درصد
- لذا نتیجه گیری می شود که در میان مردم زبان جایگاه ویژه ای ندارد.

۳-۴-۲- ارتباط میان فرهنگ ها:

سؤال آخر در خصوص هویت فرهنگی مربوط به ارتباط میان فرهنگ ها است. همانطوریکه تاکنون مشاهده شد، سه هویت ملی، دینی و قومی بسیار به هم نزدیکند. و این امر شاید ناشی از اختلاط فرهنگی باشد، لذا از پاسخگویان در خصوص ارتباط میان فرهنگ ها سؤال شد. در این باره که به نظر آنان چه ارتباطی میان انواع فرهنگ ها در ایران وجود دارد، از آنان سؤال شد: در خصوص ارتباط میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ دینی نظرات مختلفی وجود دارد، شما با هر یک از دیدگاهها و نظرات زیر تا چه میزان موافق یا مخالف هستید؟

ردیف	
۱	ایرانیان همواره دیندار بوده‌اند و فرهنگ آنان از دین جدایی ناپذیر است.
۲	فرهنگ ملت ایران ریشه در آداب و رسوم ایرانیان کهن دارد
۳	فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی عجین شده است و این دو تفکیک ناپذیرند.
۴	ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم تا اینکه عضو جامعه‌ای با مذهب خاص باشیم.
۵	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ شیعه فاصله‌ای وجود ندارد، و شیعه بودن نشانه ایرانی است.
۶	ایرانیان نسبت به هموطنان خود، ولو از ادیان و مذاهب دیگر، بیشتر از شیعیان خارج از کشور احساس نزدیکی و یگانگی می‌کنند.
۷	ایرانیان نسبت به مسلمانان جهان بیشتر از معتقدین به اقلیتهای دینی کشور خود احساس قرابت و نزدیکی می‌کنند.
۸	ارتباطی بین ایرانی بودن و داشتن مذهبی خاص وجود ندارد.

پاسخها نشان می دهد که گزینه دوم یعنی «فرهنگ ملت ایران ریشه در آداب و رسوم ایرانیان کهن دارد» بیشترین میانگین و کمترین انحراف معیار را به دست آورده است. گزینه‌های انتخاب شده به ترتیب میانگین عبارتند از:

۱. فرهنگ ملت ایران ریشه در آداب و رسوم ایرانیان کهن دارد میانگین ۱۶/۴ (۸۵/۵/)

۲. ایرانیان همواره دین‌دار بوده‌اند و فرهنگ آنان از دین جدایی ناپذیر است میانگین ۳/۹۴ (٪۷۵/۶)
 ۳. فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی عجین شده و این دو تفکیک ناپذیرند میانگین ۳/۹۳ (٪۷۴/۶)
 ۴. ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم تا این که عضو جامعه‌ای با مذهب خاص باشیم میانگین ۳/۹۰ (٪۷۲/۱)
 ۵. ایرانیان نسبت به هموطنان خود ولو از ادیان و مذاهب دیگر، بیشتر از شیعیان خارج کشور احساس نزدیکی می‌کنند میانگین ۳/۶۶ (٪۶۳/۴)
 ۶. بین فرهنگ ایرانی و شیعه بودن فاصله‌ای وجود ندارد، شیعه بودن نشانه ایرانی است میانگین ۳/۴۶ (٪۵۶/۶)
 ۷. ایرانیان بیشتر از اقلیت‌های دینی کشور خود نسبت به مسلمانان جهان احساس قرابت و نزدیکی می‌کنند. (٪۵۱/۲)
 ۸. ارتباطی بین ایرانی بودن و داشتن امتی خاص وجود ندارد میانگین ۳/۲۹ (٪۴۶/۳)
- پاسخ‌ها حاکی از آنستکه هویت ملی قوی‌تر از هویت امتی یا دینی است. چرا که پاسخگویان قبل از هر چیز فرهنگ ایرانی را دارای ریشه‌های کهن ایرانی دانسته‌اند. ضمن آنکه ایرانیها را دین‌دار و عجین شده با فرهنگ اسلامی می‌دانند اما ایرانی بودن را بر عضویت در جوامع مذهبی اولویت دادند (گویه ۴) و (در گویه ۶) شیعه بودن را شاخص و نشانه ایرانی بودن کمتر دانستند و همین حدود نیز احساس قرابت و نزدیکی با هموطنان خود ولو اقلیت‌های دینی را بیش از احساس نزدیکی نسبت به مسلمانهای جهان دانستند. (گویه ۷).

۵-۲- وضعیت هویت ملی - سیاسی

از میان مؤلفه‌های مختلفی که برای سنجش هویت سیاسی مطرح شد، سه مؤلفه را برای سنجش در پرسشنامه قرار دادیم: نگرش نسبت به پرچم به عنوان نماد قدرت سیاسی، نگرش نسبت به یکپارچگی سیاسی و نگرش نسبت به منابع قانون (قدرت).

۱-۵-۲- نگرش نسبت به پرچم: در خصوص پرچم از پاسخگویان پرسیده شد. هنگامی

که پرچم ایران را در میان پرچم سایر کشورهای جهان می‌بینید، چه احساسی پیدا می‌کنید؟ که ۸۸ درصد پرسش‌شوندگان پاسخ دادند که با دیدن پرچم ایران احساس غرور و سرافرازی می‌کنند و ۷٪ نیز بیان داشتند که احساس خاصی ندارند و ۱/۹٪ نیز احساس عقب ماندگی و حقارت را اعلام کردند. و این امر نشان از هویت سیاسی مثبت می‌باشد.

۲-۵-۲- یکپارچگی سیاسی: یکی از شاخص های بسیار مهم پیرامون هویت سیاسی نگرش نسبت به یکپارچگی ساختار سیاسی و یا ضرورت تجزیه و تفکیک آن است، لذا از پاسخگویان پرسیده شد: با توجه به ترکیب چند قومی کشور ایران، کدامیک از ساختارهای سیاسی را برای ایران می پسندند: تجزیه قومی، خودمختاریهای منطقه ای، و یا یکپارچگی ساختار سیاسی؟

از آن جا که ایران دارای اقوام مختلف است، کدام یک از موارد زیر را صحیح می دانید؟
(فقط یک مورد)

ردیف		
۱	هر یک از اقوام باید بتوانند برای خود نظام سیاسی دلخواه را تشکیل دهند.	۱۴/۶٪
۲	بهتر است یک نظام سیاسی واحد با خود مختاریهای منطقه ای تشکیل شود.	۱۱/۴٪
۳	بهتر است یک نظام سیاسی واحد و یکپارچه بدون خود مختاریهای محلی حاکمیت داشته باشد.	۸۳/۱٪

همانطوریکه ملاحظه می شود ۸۳/۱ درصد خواهان یکپارچگی ساختار و نظام سیاسی واحد در کشور می باشند.

۳-۵-۲- مبانی قانون (قدرت): نظر و نگرش مردم پیرامون مبانی قانون یا قدرت از مؤلفه های بسیار مهم هویت سیاسی است. لذا از پاسخگویان نسبت به گویه های زیر نظرخواهی شد:

ردیف		
۱	قوانین باید براساس نظر اکثریت مردم و با توجه به منافع و اقوام مختلف وضع و اجرا شود.	۴۴/۱٪
۲	قوانین باید موافق مقررات دینی و نظر مراجع باشد.	۲۰/۳٪
۳	قوانین باید مطابق عرف و آداب سنت ایرانی باشد.	۹٪
۴	قوانین باید عاقلانه و براساس نظر نخبگان جامعه باشد.	۲۴/۳٪

همان طور که مشاهده می شود بیشتر افراد (۴۴/۱ درصد) گزینه اول را انتخاب کرده اند یعنی این که «قوانین باید براساس نظر اکثریت مردم و با توجه به منافع مناطق و اقوام مختلف وضع و اجرا شود». به نظر ۲۴/۳ درصد افراد «قوانین باید عاقلانه و بر اساس نظر نخبگان باشد». ۲۰/۳ درصد افراد مقررات دینی و نظر مراجع را مهم تر دانسته اند و ۹٪ درصد عرف و آداب و سنن ایرانی را انتخاب کرده اند.

۴-۵-۲- پرسش نتیجه گیری

در پایان این قسمت با پرسشی پیرامون مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جامعه‌ای (یکپارچگی ملی)، جغرافیایی (سرزمین)، تاریخی (آثار باستانی)، فرهنگی (زبان فارسی) و سیاسی (پرچم و سرود ملی) سعی نمودیم تا میانگینی از وضعیت هویت ملی را بدست دهیم. لذا از پاسخگویان پرسیده شد: به میزان علاقه‌مندی یا نفرت خود نسبت به موارد زیر نمره از صفر تا بیست بدهید. علاقه‌مندی شدید را نمره بیست و نفرت را نمره صفر بدهید.

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد ۱۷-۲۰	زیاد ۱۳-۱۶	تاحدودی ۹-۱۲	کم ۵-۸	خیلی کم ۱-۴
۲۴-۱	پرچم	۸۱/۷	۱۱/۲	۴/۱	۰/۷	۲
۲۴-۲	سرود ملی	۷۵/۷	۱۲	۶/۷	۲/۶	۳/۴
۲۴-۳	سرزمین ایران	۸۹/۸	۵/۹	۲/۳	۰/۳	۱
۲۴-۴	فرهنگ ایرانی	۷۹/۷	۱۲/۳	۴/۶	۱	۲
۲۴-۵	آثار باستانی	۸۵/۶	۹/۹	۲/۷	۰/۷	۰/۹
۲۴-۶	زبان فارسی	۸۵/۳	۱۰/۶	۲/۳	۰/۶	۱
۲۴-۷	یکپارچگی ملی	۷۵/۷	۱۲/۹	۶/۶	۱/۴	۲/۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود همه گزینه‌ها میانگینی بین چهار و پنج یعنی علاقه زیاد و خیلی زیاد را کسب کرده‌اند. گزینه ششم یعنی «زبان فارسی» بیشترین میانگین و کمترین انحراف معیار را به دست آورده است. گزینه‌های انتخاب شده به ترتیب میانگین عبارتند از:

۱. زبان فارسی ۹۵/۹٪
۲. سرزمین ایران میانگین ۹۵/۷٪
۳. آثار باستانی با میانگین ۹۵/۵٪
۴. پرچم ایران میانگین ۹۲/۹٪
۵. فرهنگ ایرانی میانگین ۹۲٪
۶. سرود ملی میانگین ۸۷/۷٪
۷. یکپارچگی ملی میانگین ۸۶/۶٪

میانگین کل: ۹۲/۳۲٪

نتیجه حاصله حاکی از وضعیت بسیار خوب میزان هویت ملی در میان شهروندان تهرانی است.

۳- آمار توصیفی وضعیت چهار هویت (ملی، امتی، قومی و جهانی) در

نمونه آماری

پس از بررسی جداگانه مؤلفه های مربوط به چهار نوع هویت ملی، امتی، قومی و جهانی در اینجا لازم است به جمع بندی وضعیت هر یک از هویت ها اشاره شود. نکته بسیار مهم در اینجا آن است که داده های پیوسته به این چهار نوع هویت، برای سادگی بیشتر و انجام تحلیل های بعدی به صورت طبقه ای و گسسته آمده است. این امر سبب از دست رفتن برخی از اطلاعات می شود ولی در عوض به تحلیل های بعدی همچون مقایسه میانگین ها کمک می کند. بنابراین، آمار توصیفی که در اینجا ارائه می شود براساس طبقه ای کردن داده هاست و ممکن است اندکی با داده های توصیفی پیوسته متفاوت باشد. و مسلماً صحت نتایج حاصل از داده های پیوسته بیشتر می باشد.

سعی نمودیم تمامی داده های مربوط به گویه ها و شاخص های هر یک از چهار هویت را استخراج و جمع بندی نماییم تا مشخص گردد که وضعیت هر یک از هویت های چهارگانه چگونه است.

۳-۱- هویت ملی

کل داده های مربوط به سؤالات مرتبط به هویت ملی استخراج شده و در جدول و نمودار زیر نشان داده می شود.

درصد نسبی	درصد	تعداد	درصد تجعی
۱/۴	۱/۴	۱۰	کم
۵/۹	۴/۴	۳۱	متوسط
۷۵/۵	۶۹/۷	۴۸۷	زیاد
۱۰۰	۲۴/۵	۱۷۱	خیلی زیاد
	۱۰۰	۶۹۹	جمع

همان طور که در جدول مشاهده می شود، ۲۴/۵ درصد از پاسخ دهندگان هویت ملی خود را خیلی زیاد برآورد کرده اند. و ۶۹/۷ درصد نیز آن را زیاد ارزیابی کرده اند، یعنی ۹۴/۲ درصد پاسخ دهندگان هویت ملی خود را بالا و خیلی بالا ارزیابی کرده اند و تنها ۱/۴ درصد آن را کم ارزیابی کرده اند. نکته قابل توجه این است که هیچ کدام از پاسخ دهندگان هویت ملی خود را خیلی کم ارزیابی نکرده اند. به همین دلیل در جدول بالا گزینه خیلی کم نداریم. بنابراین به نظر پاسخگویان هویت ملی در میان آنان بسیار عالی است.

۲-۳- هویت امتی (جامعه مذهبی)

مقصود از هویت امتی حاصل جمع گویه های مربوط به هویت در خصوص جامعه شیعی و نیز جامعه اسلامی است که جدول زیر میزان آن را نشان می دهد.

درصد نسبی	درصد	تعداد	درصد تجعی	
۱/۶	۱/۶	۱۱	۱/۶	خیلی کم
۳/۴	۳/۴	۲۴	۵/۰	کم
۶/۳	۶/۳	۴۴	۱۱/۳	متوسط
۴۹/۴	۴۹/۴	۳۴۵	۶۰/۷	زیاد
۳۹/۳	۳۹/۳	۲۷۵	۱۰۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۶۹۹		جمع

همان طور که در جدول مشاهده می شود، ۳۹/۳ درصد از پاسخ دهندگان هویت امتی خود را خیلی زیاد برآورد کرده اند. و ۴۹/۴ درصد نیز آن را زیاد ارزیابی کرده اند، یعنی ۸۸/۷ درصد پاسخ دهندگان هویت امتی خود را بالا و خیلی بالا ارزیابی کرده اند و تنها ۵ درصد آن را کم و خیلی کم ارزیابی کرده اند. در حدود ۶ درصد افراد نیز هویت امتی خود را متوسط دانسته اند. شکل زیر اطلاعات مربوط به هویت امتی را به صورت نمودار میله ای نشان می دهد.

۳-۳- هویت قومی

داده های استخراج شده از گویه های مربوط به هویت قومی حاکی از وضعیت بسیار خوب آن جامعه است.

درصد نسبی	درصد	تعداد	درصد تجعی	
۱/۱	۱/۱	۸	۱/۱	خیلی کم
۳/۱	۳/۱	۲۲	۴/۳	کم
۹/۷	۹/۷	۶۸	۱۴	متوسط
۶۳/۴	۶۳/۴	۴۴۳	۷۷/۴	زیاد
۲۲/۶	۲۲/۶	۱۵۸	۱۰۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۶۹۹		جمع

همان طور که در جدول مشاهده می شود، ۲۲/۶ درصد از پاسخ دهندگان هویت قومی خود را خیلی زیاد برآورد کرده اند. و ۶۳/۴ درصد نیز آن را زیاد ارزیابی کرده اند، یعنی ۸۶ درصد پاسخ دهندگان هویت قومی خود را بالا و خیلی بالا ارزیابی کرده اند و تنها ۳/۴ درصد آن را کم

و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در حدود ۹/۷ پاسخ‌دهندگان نیز هویت قومی خود را متوسط دانسته‌اند.

۳-۴- هویت جهانی

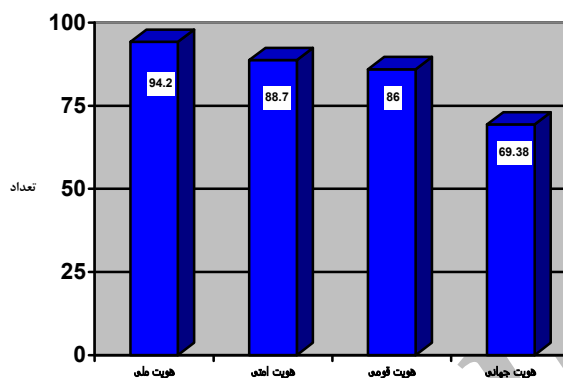
داده های استخراج شده از گویه های مربوط به هویت جهانی حاکی وضعیت ضعیف آن نسبت به سه هویت دیگر است.

درصد نسبی	درصد	تعداد	درصد تجعی
۱/۱	۱/۱	۸	خیلی کم
۹/۲	۹/۲	۶۴	کم
۲۰/۳	۲۰/۳	۱۴۲	متوسط
۵۷/۵	۵۷/۵	۴۰۲	زیاد
۱۱/۹	۱۱/۹	۸۳	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۶۹۹	جمع

همان طور که در جدول مشاهده می‌کنید، ۱۱/۸۷ درصد از پاسخ‌دهندگان هویت جهانی خود را خیلی زیاد برآورد کرده‌اند. و ۵۷/۵۱ درصد نیز آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند، یعنی ۶۹/۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان هویت جهانی خود را بالا و خیلی بالا ارزیابی کرده‌اند و تنها ۱۰/۳۰ درصد آن را کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در حدود ۲۰/۳۱ درصد پاسخ‌دهندگان نیز هویت جهانی خود را متوسط دانسته‌اند.

مقایسه نمودارهای مربوط به چهار نوع هویت نشان دهنده آنست که هویت ملی دارای بالاترین سطح می باشد و پس از آن هویت مذهبی و سپس هویت قومی قرار دارند. این سه هویت فاصله اندکی با یکدیگر دارند، بگونه ای که هویت ملی ۵/۵ درصد بیشتر از هویت امتی و ۸/۲ درصد بیشتر از هویت قومی است، و هویت مذهبی نیز تنها ۲/۷ درصد بیشتر از هویت قومی است. اما هویت جهانی با این سه نوع هویت دارای فاصله ۲۵ الی ۱۸ درصدی است.

نام هویت	هویت ملی	هویت امتی	هویت قومی	هویت جهانی
درصد	۹۴/۲٪	۸۸/۷٪	۸۶٪	۶۹/۳۸٪



نتیجه

مبنای شکل‌گیری و همبستگی هر اجتماع سیاسی فرهنگ و هویت سیاسی است. هویت سیاسی در سطح یک جامعه ملی می‌تواند مرکب از سطوح قومی، ملی، مذهبی و جهانی باشد، که هر یک از این سطوح نیز با توجه به عناصر متشکله آن جامعه می‌تواند دارای ابعاد جامعه‌ای، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی تقسیم گردد. جامعه در صورتی دارای ثبات و انسجام خواهد بود که اولاً میان سطوح مختلف هویتی سازگاری وجود داشته باشد و ثانیاً ابعاد مختلف هویت‌ها نیز دارای توازن و توافق باشند.

جامعه ملی ایران جامعه‌ای مذهبی است و از طرف دیگر مرکب از اقوام مختلف می‌باشد و نیز با توجه به گسترش رسانه‌های ارتباطی دستخوش تعامل با جامعه جهانی است، لذا در این جامعه می‌توان هر چهار سطح از هویت را مشاهده و بررسی و ارزیابی نمود. اما حضور این هویت‌های چهارگانه مسئله تقویت و یا تضعیف و سازگاری و تضاد آنها را مطرح می‌نماید. لذا این بحث در میان متخصصین مطرح است که وضعیت هویت ملی در جامعه کنونی ایران چگونه است؟ و در مقابل آن وضعیت هویت‌های قومی و ... چگونه می‌باشد؟

این پژوهش بر فرض اینکه هویت ملی در میان شهروندان تهرانی (به عنوان مطالعه موردی) در حال چالش می‌باشد و احیاناً این سطح از هویت با هویت‌های دیگر دارای تعارض نیز هست انجام گردید. که نتیجه پیمایش نشانگر عدم تأیید فرضیات بود.

چرا که اولاً هویت ملی در تمامی ابعاد در سطح بسیار بالایی است و ثانیاً با دو هویت قومی و امّی نیز قرابت زیادی دارد. چنانکه ۹۴/۲ درصد پاسخ‌دهندگان هویت ملی خود را بالا و خیلی بالا ارزیابی کرده‌اند، و ۸۸/۷ درصد پاسخ‌دهندگان نیز هویت امّی خود را بالا و خیلی بالا می‌دانند، و ۸۶ درصد پاسخ‌دهندگان نیز هویت قومی خود را بالا و خیلی بالا

ارزیابی می نمایند، ولی در مقایسه با این سه سطح از هویت، هویت جهانی در سطح پائین تری است چنانکه ۶۹/۳۸٪ درصد از پاسخگویان هویت جهانی خود را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی می نمایند.

بنابراین هویت ملی در سطح مناسبی است و با دو سطح دیگر از هویت نیز نزدیک می باشند، یعنی بین این سه سطح از هویت سازگاری وجود دارد.

منابع و مأخذ:

الف. مقالات فارسی

- ۱- فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۱، پاییز ۷۸
- ۲- فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۲ و ۳، زمستان ۷۸ و بهار ۷۹
- ۳- فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۴، تابستان ۷۹
- ۴- فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۷۹
- ۵- فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۷۹
- ۶- فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷، بهار ۸۰
- ۷- فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان ۸۰
- ۸- فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، پاییز ۸۰
- ۹- فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۸۰
- ۱۰- فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۸۱
- ۱۱- فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۲، تابستان ۸۱
- ۱۲- فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان ۸۱
- ۱۳- فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۵، شماره ۱، سال ۸۲
- ۱۴- فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۶، شماره ۲، سال ۸۲
- ۱۵- فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱۷، شماره ۱، سال ۸۳
- ۱۶- فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱۹، شماره ۳، سال ۸۳
- ۱۷- فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲۰، شماره ۴، سال ۸۳
- ۱۸- فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۱، شماره ۱، سال ۸۴
- ۱۹- فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۲، شماره ۲، سال ۸۴
- ۲۰- فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۳، شماره ۳، سال ۸۴
- ۲۱- فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۴، شماره ۴، سال ۸۴
- ۲۲- فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۲۵، شماره ۱، سال ۸۵

ب. مقالات خارجی

- 1- Bruce D. Keillor, A five-country study of national identity, Department of Marketing, College of Business Administration, University of Akron, Akron, Ohio, USA.
- 2- David L.A. Gordona and Brian S. Osborne, Constructing national identity in Canada's capital, 1900-2000, Department of Geography, Queen's University, Kingston, Ont., Canada K7L 3N6.
- 3- David L.A. Gordona and Brian S. Osborne, Constructing national identity in Canada's capital, 1900-2000, Department of Geography, Queen's University, Kingston, Ont., Canada K7L 3N6.

- 4- Eric Helleiner, National currencies and national identities, *The American Behavioral Scientist*; Aug 1998; 41, 10; ABI/INFORM Global, pg. 1409.
- 5- Eric Helleiner, National currencies and national identities, *The American Behavioral Scientist*; Aug 1998; 41, 10; ABI/INFORM Global, pg. 1409.
- 6- Graham Pike, *Global education and national identity: In pursuit of meaning, Theory into Practice*; Spring 2000; 39, 2; ProQuest Education Journals, pg. 64.
- 7- Hobsbawm, Eric, *Language, culture, and national identity, Social Research*; Winter 1996; 63, 4; Academic Research Library, pg. 1065.
- 8- Izhak Schnell, *Transformation in territorial concepts: from nation building to concessions, GeoJournal* 53: 221-234, 2002 Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.
- 9- JAMES.A.GELIN, *The League of Nations and the question of national identity, World Affairs*; Summer 1995; 158, 1; vol. 185, no.1, Academic Research Library, pg. 35.
- 10- MAXIMILIAN MÜLLER-HÄRLIN, *The Political Reconstruction of National and European Identity in France and Germany after the Second World War, Dialectical Anthropology* 27: 269-278, 2003 Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.
- 11- STEPHANIE LIN, *Image (and) Nation: The Russian Exotic in 19th-Century French Travel Narratives, Dialectical Anthropology* 27: 121-139, 2003 Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.
- 12- Taras Kuzio, *HISTORY, MEMORY AND NATION BUILDING IN THE POST-SOVIET COLONIAL SPACE, Nationalities Papers, Vol. 30, No. 2, 2002.*
- 13- Taras Kuzio, *Nation Building, History Writing and Competition over the Legacy of Kyiv Rus in Ukraine, Nationalities Papers, Vol. 33, No. 1, March 2005.*

ج. کتب

- ۱- صنیع اجلال، مریم. (۱۳۸۴)، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران، موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، سال ۸۴
- ۲- علی‌اکبر. (۱۳۸۳)، *میانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ۳- علی‌اکبر. (۱۳۸۳)، *هویت در ایران*، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی.
- ۴- گودرزی، حسین. (۱۳۸۴)، *زبان و هویت*، تهران، موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- ۵- میرمحمدی، داوود. (۱۳۸۳)، *گفتارهایی درباره هویت ملی*، تهران، موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- "نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)"، شماره ۶۹، سال ۸۴؛ "فساد سیاسی از نظر برخی متفکرین مسلمان"، دوره ۳۷، شماره ۴، سال ۸۶؛ "ثبات و تحول در جامعه‌شناسی سیاسی فارابی"، شماره ۲، سال ۸۷؛ "مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی"، شماره ۴، سال ۸۷.